

اتل و متل

نشریه کودکان ایران
شماره ۸، اسفند ۹۳ و فروردین ۹۴
قیمت: ۳۰۰۰ تومان

شعر

نیکی حالش خوب نیست

سر گرمی و رنگ آمیزی

کاغذ و قیچی

بدا کن

بازی روی صفحه

کشف کن: ایستگاه قطار

قصه‌های مریم کوچولو

قدم زدن چه خوبه



آمادگی هیجان دارید ؟

Are you ready for adventure ?



شهربازی سازمین عجایب



www.sarzaminajayeb.com

www.facebook.com/sarzaminajayeb

[Instagram.sarzamin.ajayeb](https://www.instagram.com/sarzamin.ajayeb)



مشهد:

الماس شرق ، طبقه سوم و چهارم

تلفن های تماس: ۲۷ - ۳۷۱۱۳۳۲۳ - ۵۱

مدیر مسئول و صاحب امتیاز: علی پاکباز خسروشاهی
 سردبیر: علی محمدپور (qaribi@yahoo.com)
 صفحه آرایی: علی غریبی

- اتل و متل ابتدا و نیمه‌ی هر ماه منتشر می‌شود.
 - همه‌ی بچه‌ها و بزرگ‌ترها می‌توانند با اتل و متل همکاری کنند و آثارشان را ارسال نمایند.
 - آثار رسیده بازگردانده نمی‌شود.
 - حق ویرایش آثار رسیده برای اتل و متل محفوظ است.
 - نقل از اتل و متل با ذکر ماخذ و نام صاحب اثر آزاد است.
 نشانی: مشهد، احمد آباد، خیابان قائم ۱۴. پلاک ۴۶. طبقه همکف
 تلفن و نمابر: ۳۸۴۱۶۵۸۴-۳۸۴۳۷۷۱۱-۰۵۱
 تهران، پاسداران، بوستان ۸، پلاک ۱۲۰ واحد ۷ تلفن و نمابر:
 ۰۲۱- ۲۲۷۶۰۸۹۷
 پیامک: ۳۰۰۰۷۹۸۱

www.atalvamatal.ir info@atalvamatal.ir

برای این تصویر یک داستان بنویس. داستانت می‌تواند این‌طوری شروع شود:
 عید شده و جیرجیرک می‌خواهد به گردش برود.
 او بچه‌اش را بسته و از برگ گل برای خودش یک قایق درست کرده است



مغازه‌ها شلوغه

خیابونا شلوغ‌تر

با عجله آدما

هی می رن این ور اون ور

یکی خریده آجیل

یکی لباس خریده

یه دست فروش ساده

یه گوشه هفت سین چیده

زود خریدم یه ماهی

رفتم به سوی خونه

ماهی من تا چند روز

تو سفره مون مهمونه

عید که میشه بابا بزرگ

بازم میاد خونه ما

خوش حال وقتی می‌رسه

به من می‌گه رضا بیا

منم بدو بدو میرم

زود می‌شینم کنار اون

بازم منو بوس می‌کنه

بابا بزرگ مهربون

زود از کیفش برای من

در میاره یه دونه پول

منم تشکر می‌کنم

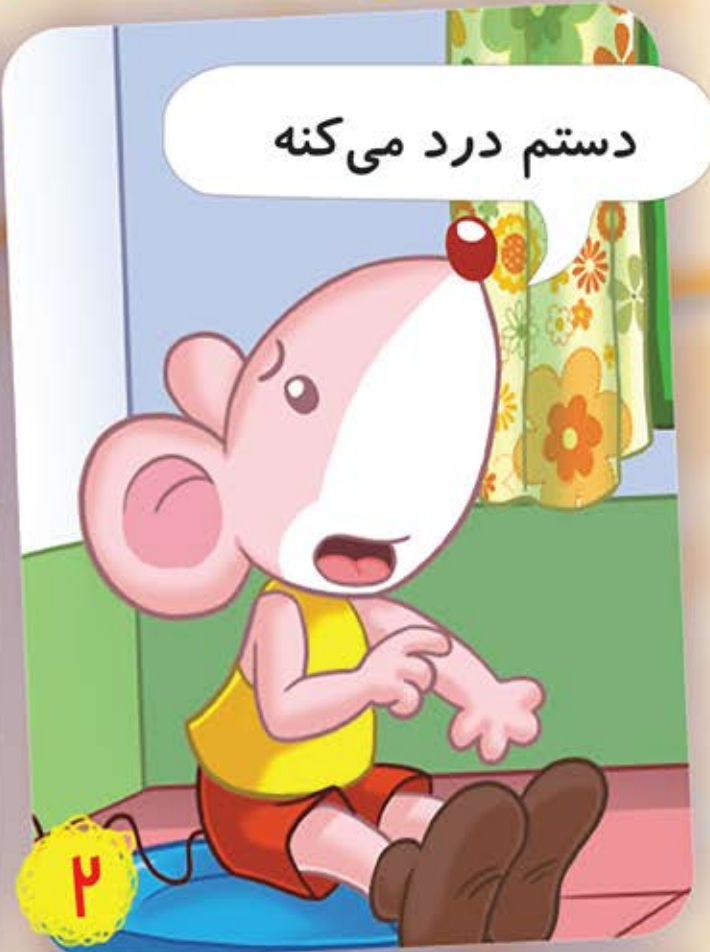
عیدی شو می‌کنم قبول





نیکي حالش خوب نیست

قصه‌های با مزه:



قصه‌های با مزه

نه

فکر کنم سرم هم درد می‌کنه

۵

اینجای پات؟

۶

کجا می‌ری؟

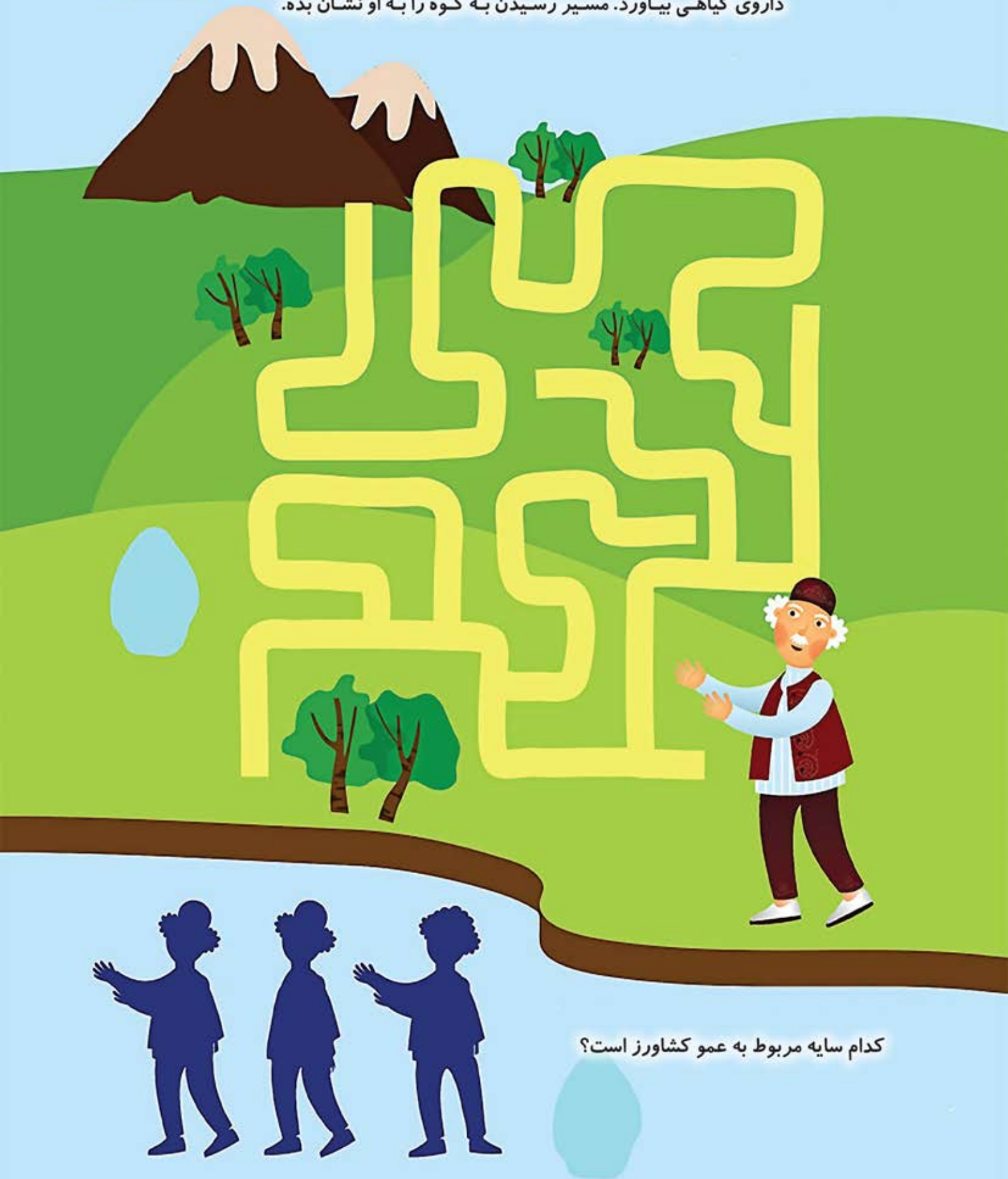
اینجا؟

نه

۸

دیگه حالم خوب
شد. من حالم خوبه

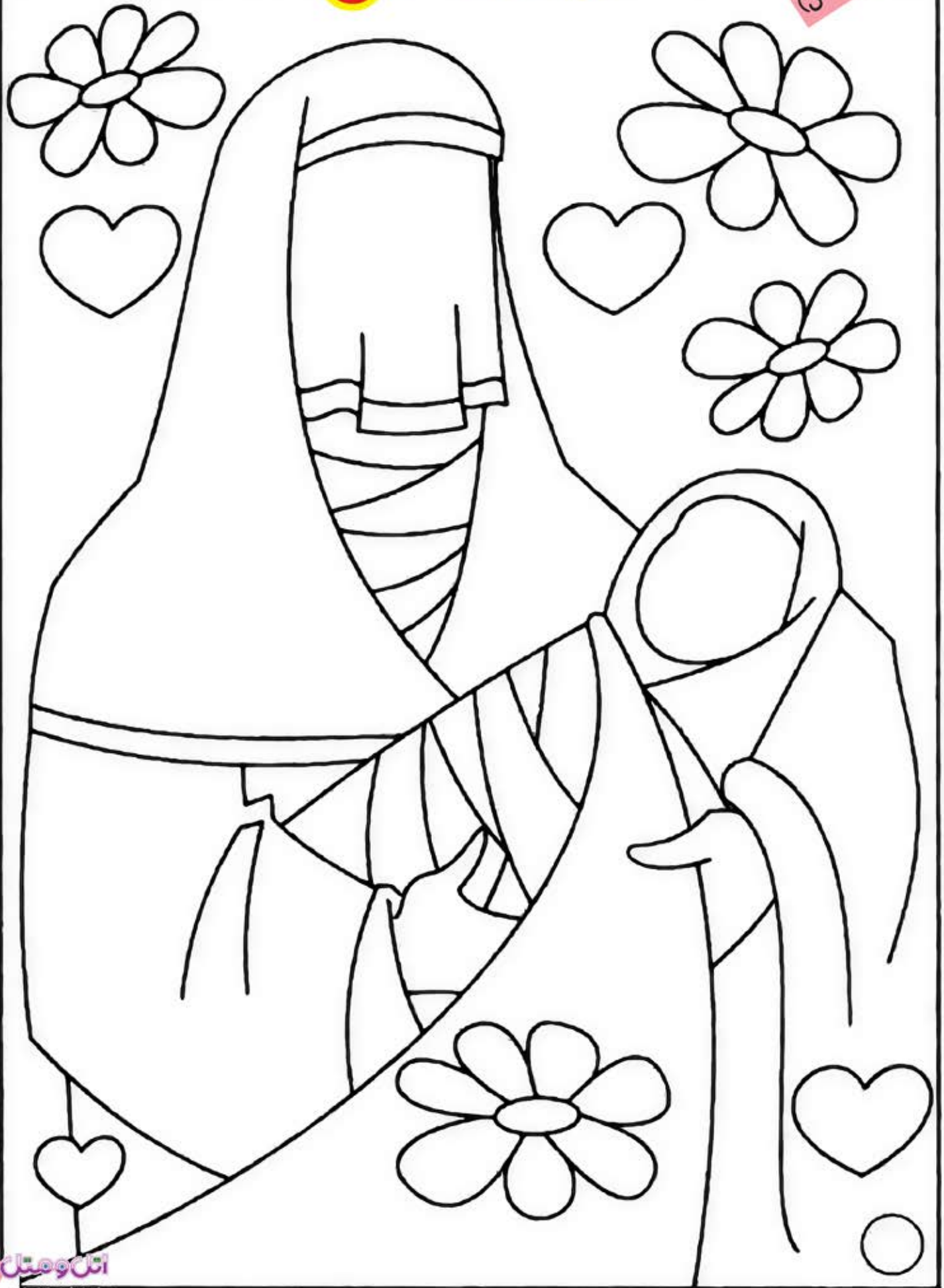
همسر عمو کشاورز مریض است. او می‌خواهد به دامنه کوه برود و برای همسرش داروی گیاهی بیاورد. مسیر رسیدن به کوه را به او نشان بده.



کدام سایه مربوط به عمو کشاورز است؟

رنگ کن

یا فاطمه زهرا (س)



۵ خانه عقب برگرد

پایان

۳ خانه جلو
برو

۳ خانه
برگرد

غذا سعی بود ۴
خانه عقب برگرد

در سرزمین چین

سرزمین چین عجایب زیادی دارد. شما در این بازی سفر کوتاهی به سرزمین چین می‌کنید. در چین پاندهای زیادی زندگی می‌کنند که در این بازی باید از آنها فرار کنید. باید مراقب ببر و مار هم باشید. اگر به پیرمرد دانا و مادر بزرگ مهربان برسید آنها به شما کمک خواهند کرد.

علی محمدپور

۲ خانه عقب برگرد

عقب

۵ خانه جلو برو

۳ خانه به عقب
برگرد

۲ خانه جلو برو

شروع

۲ خانه عقب
برگرد



شکل‌های اطراف را داخل تصویر پیدا کن.

کشف کن

پدرام خسروشاهی

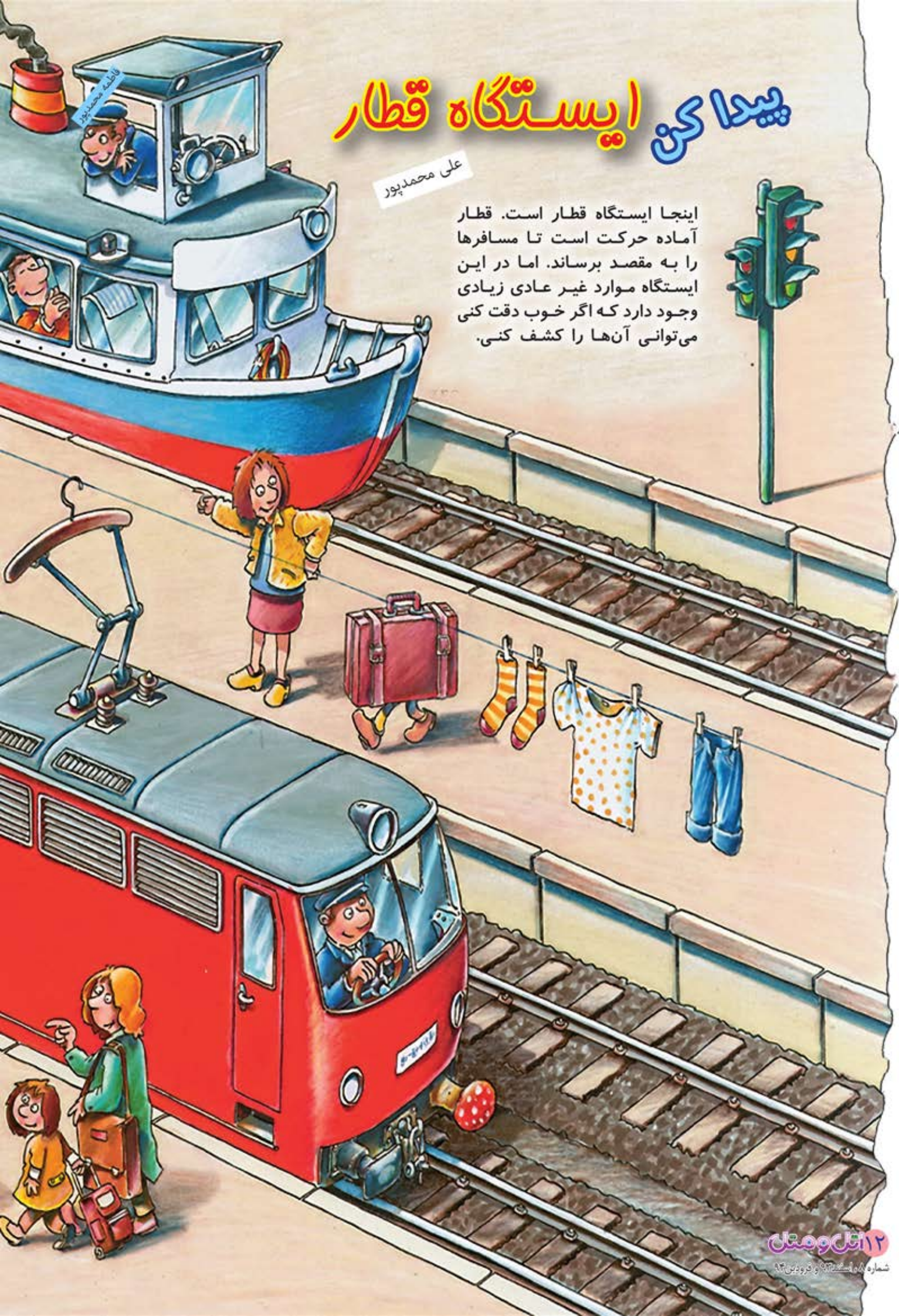




پیدا کن ایستگاه قطار

علی محمدپور

اینجا ایستگاه قطار است. قطار آماده حرکت است تا مسافرها را به مقصد برساند. اما در این ایستگاه موارد غیر عادی زیادی وجود دارد که اگر خوب دقت کنی می‌توانی آن‌ها را کشف کنی.





چچراهای



چرا رعد (صدا) و برق (نور) با هم فاصله زمانی دارند؟

رعد و برق در یک زمان بر اثر برخورد ابرها با هم اتفاق می افتد اما ما ابتدا نور را می بینیم و چند دقیقه بعد صدای آن را می شنویم. دلیل آن هم به سرعت نور و صدا برمی گردد. سرعت نور سیصد هزار کیلومتر در ثانیه است اما سرعت صدا ۳۳۰ متر در ثانیه است. وقتی رعد و برق در فاصله های دور زده می شود به خاطر سرعت زیاد نور ما سریع نور آن را می بینیم اما تا صدا به ما برسد چند ثانیه طول می کشد. هر چقدر فاصله ابرها از زمین باشد صدا دیرتر شنیده می شود.



چرا به بعضی از مارها زنگی می گویند؟

مار زنگی یکی از سمی ترین مارهای بیابان است. این مار در انتهای دمش تعدادی فلش دارد که وقتی صدا تکان می دهد صدای زنگ می دهد. زمانی که دشمن به مار زنگی نزدیک شود این مار دمش را به صدا درمی آورد تا دشمن متوجه او بشود. هر چه دشمن به او نزدیک تر شود مار زنگی دمش را شدیدتر تکان می دهد. این مار در مناطق بیابانی ایران زیاد پیدا می شود.

بچه‌ها

تکتم صابری مقدم تهرانی

چرا خرطوم فیل دراز است؟



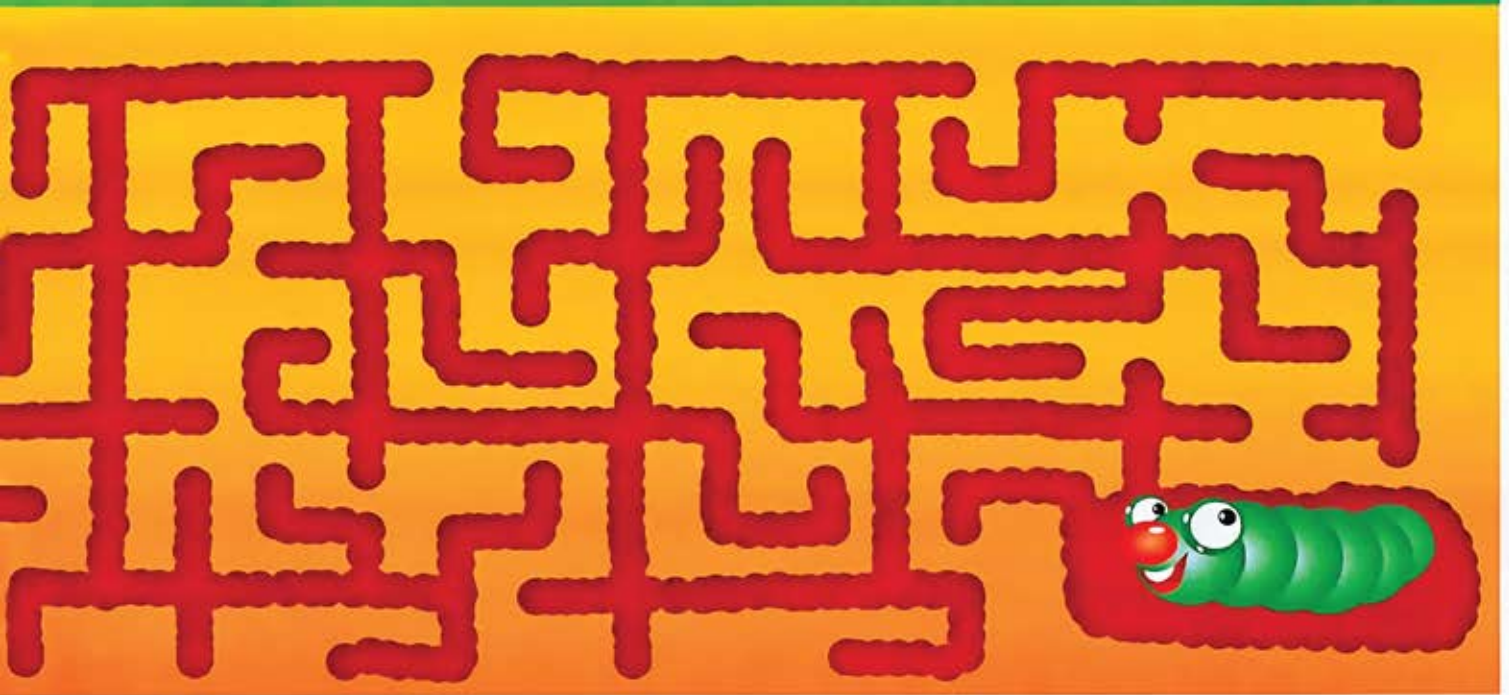
خرطوم در حقیقت لب بالایی و بینی فیل است. خرطوم مثل دست او است که خیلی رشد کرده است. خرطوم علاوه بر وظیفه‌ای که به عنوان لب و دماغ برای فیل انجام می‌دهد کار دست‌ها و بازوهایش را نیز بر عهده دارد. درون خرطوم فیل بیش از ۴۰ هزار عضله وجود دارد. در انتهای خرطوم یک برجستگی شبیه به انگشت دست انسان وجود دارد. این برجستگی آن قدر حساس است که فیل به کمک آن می‌تواند حتی یک سوزن را هم از روی زمین بردارد. خرطوم وظیفه گذاشتن غذا در دهان فیل را هم به عهده دارد.

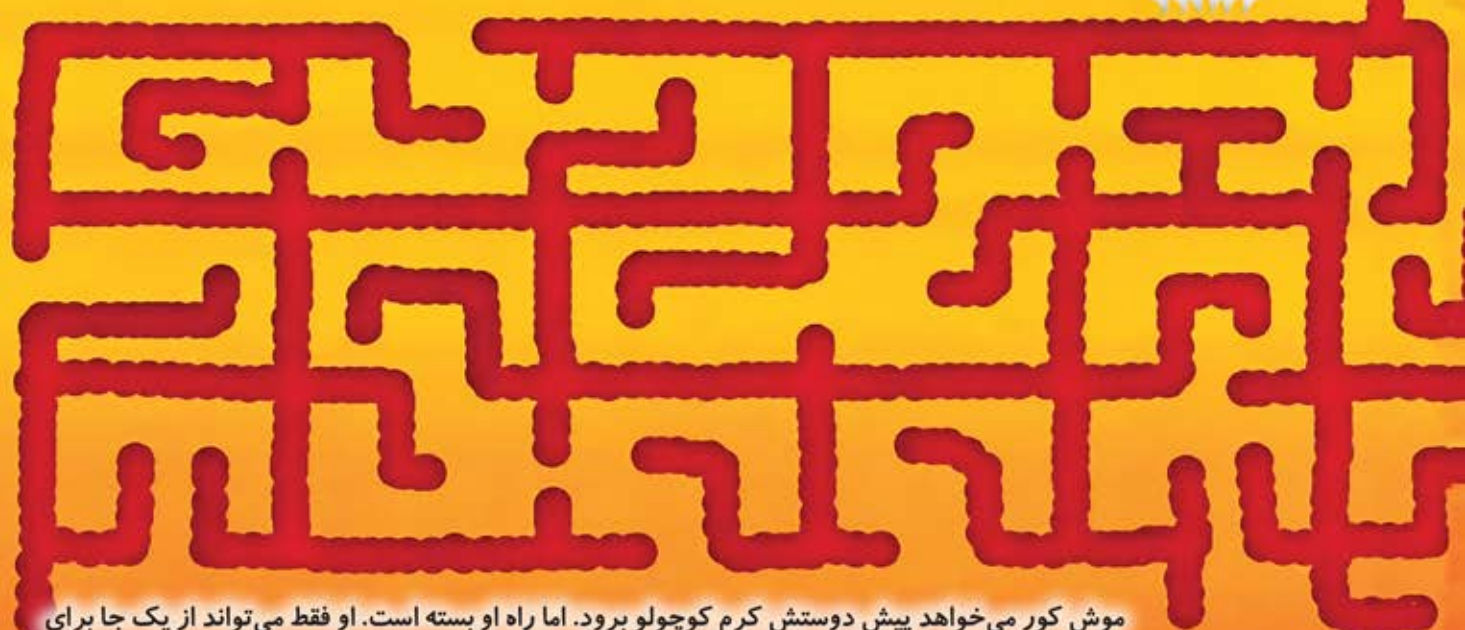
چرا گل‌ها، رنگ‌های مختلفی دارند؟



در گل‌ها مواد رنگی به نام‌های «آنتوسیانین» و «پلاستیدز» وجود داد که باعث رنگ گل‌ها می‌شود. آنتوسیانین رنگدانه گل‌های قرمز و آبی و بنفش و ارغوانی را تولید می‌کند. مواد رنگدانه‌ای دیگری هم وجود دارند که رنگ‌های نارنجی و زرد و ... را به وجود می‌آورند. گل‌ها حدود ۶۰ نوع رنگ دارند. بعضی گل‌ها چند رنگ هستند. جدیداً با انجام آزمایش‌هایی توانسته‌اند رنگدانه‌ها را وارد گل‌ها بکنند و گل‌های با رنگ‌های جدید ایجاد بکنند. از جمله رز سبز و آبی و زرد.







موش کور می‌خواهد پیش دوستش کرم کوچولو برود. اما راه او بسته است. او فقط می‌تواند از یک جا برای خودش راه باز کند. به او کمک کن تا جای مناسب را پیدا کند.



قدم زدن چه خوبه

آرزو رضایی

بُز کوچولو هر روز بعد از خوردن غذا روی صندلی‌اش می‌نشست و به منظره بیرون خانه‌اش نگاه می‌کرد. او یک روز دید خانم مرغ و شش جوجه‌اش سروصداکنان از جلوی پنجره‌اش می‌گذرند و جیک‌جیک کنان یک‌صدا باهم می‌خوانند: «قدم بزن قدم بزن، قدم زدن بعد از ناهار خوب است»



بُز کوچولو هر روز خانم مرغ و جوجه‌هایش را در حال قدم زدن می‌دید. تصمیم گرفت علت کارشان را از آن‌ها بپرسد. پیش خانم مرغ رفت و گفت: «سلام! من بُز کوچولو هستم! چرا شما هر روز بعد از غذا خوردن قدم می‌زنید؟ این راه رفتن چه فایده‌ای دارد؟»



خانم مرغ جواب داد «وقتی‌که ما بعد از غذا خوردن قدم می‌زنیم احساس آرامش بیشتری می‌کنیم. قدم زدن برای هضم غذا هم مفید است». بُز کوچولو گفت: «چقدر خوب پس من هم می‌توانم به همراه شما قدم بزنم؟»



خانم مرغ گفت: «البته بسیار هم عالیست. ما از اینکه شما هم به همراه ما به پیاده روی می‌آیی خوشحالیم». جوجه‌ها با شادی بلند گفتند: «خوش آمدید خوش آمدید!»





خانم مرغ، جوجه‌ها و بُز کوچولو خوشحال و خندان بودند. آن‌ها همان‌طور که آرام آرام قدم می‌زدند به غاری رسیدند. آن‌ها از میان غار عبور کردند و به باغ زیبایی که پر از گل‌ها و گیاهان زیبایی بود رسیدند. آن‌ها از دیدن منظره زیبا لذت می‌بردند.

خرسی بعد از اینکه علت پیاده روی خانم مرغ را شنید دلش می‌خواست او هم در پیاده روی آن‌ها شرکت کند. او ظهر بعد از خوردن ناهار با عجله و به سرعت به سمت خانه خانم مرغ رفت. خانم مرغ و جوجه‌ها هنوز مشغول خوردن ناهار بودند که خرسی پرسید: «خانم مرغ من هم می‌خواهم با شما به پیاده روی بیایم می‌شود همین الان برویم؟»



خانم مرغ جواب داد: «بسیار خوب اما قدم زدن آن هم بلافاصله بعد از خوردن غذا برای بدن ضرر دارد. تو باید ۲۰ تا ۳۰ دقیقه بعد از ناهار استراحت کنی و بعد آهسته و آرام قدم زدن را شروع کنی. پیاده روی نباید با سرعت و دوان‌دوان باشد چون احساس خستگی و کوفتگی پیدا می‌کنی. وقتی آهسته قدم بزنی روده‌ها هم آهسته حرکت و فعالیت می‌کنند و به هضم غذا کمک بیشتری می‌کنند.»



خرسی وقتی این را شنید گفت: «حق با شماست انگار پیاده روی هم علم و دانش خودش را دارد»، او چند دقیقه بعد از خوردن غذا به آرامی شروع به راه رفتن کرد. بعد خرسی و بُز کوچولو و خانم مرغ و جوجه‌ها همگی باهم شروع به قدم زدن کردند.



پروانه



مریم یک دختر خیلی کوچولو بود. آن قدر کوچولو که تنها نمی توانست از خانه بیرون برود. او عاشق پروانه‌ها بود. وقتی بهار می آمد همراه پدر و مادرش به پارک می رفت و دنبال پروانه‌ها می دوید. او نمی خواست پروانه‌ها را بگیرد بلکه دوست داشت با آن‌ها بازی کند.



چند روز بعد از داخل تخم یک کرم بیرون آمد. مریم کوچولو با دیدن کرم تعجب کرد. او نمی دانست که کرم‌ها هم از داخل تخم بیرون می آیند. او با کرم دوست شد.



یک روز مریم کوچولو تعدادی تخم روی برگ درخت دید. او با خودش فکر کرد این‌ها تخم چه حیوانی است. شاید یک مگس. یا هم یک سنجاقک.



مریم کوچولو دید که کرم یک لباس درست نکرده بلکه یک خانه ساخته است. ولی خانه‌ی کرم در و پنجره نداشت.



چند روز بعد وقتی مریم کوچولو رفت تا به دوستش سر بزنند دید که او در حال درست کردن یک لباس است. از کرم پرسید داری چه کار می‌کنی؟ کرم گفت: دارم پيله درست می‌کنم.



وقتی کرم از داخل پيله آمد دو تا بال داشت. کم‌کم بال‌هایش را باز کرد و شروع به پرواز کرد. مریم کوچولو خیلی تعجب کرده بود. حالا دوست او یک کرم نبود بلکه یک پروانه بود. کرم داخل پيله تبدیل به پروانه شده بود.



چند روز بعد کرم پيله‌اش را پاره کرد. مریم کوچولو با خوشحالی گفت: از خانه بیرون آمدمی دوست من؟ او با تعجب دید قیافه دوستش عوض شده است.

پیدا کن

قالب هر شکل را پیدا کن.



خوشحالم که دوست خوبی مثل تو پیدا کردم. شعر و داستان و نقاشی‌هایت را برای من بفرست تا با نام خودت چاپ کنم.

فرم اشتراک

۱ مبلغ اشتراک را به شماره حساب: ۰۱۰۰۰۷۶۶۴۵۰۰۷

بانک ملی شعبه سجاد (سیبا) به نام علی پاکباز

خسروشاهی و یا شماره حساب ۲۰۳۹۴۰۷۰۱۹۰۳۷۲

بانک انصار شعبه احمدآباد به نام نشریه اتل و متل واریز

کنید.

نام :

نام خانوادگی :

نشانی :

تلفن :

کد پستی :

۲ ارسال و یا اطلاع فیش پرداختی به نشانی: مشهد،

احمدآباد، خیابان قائم ۱۴. پلاک ۴۶. طبقه همکف تلفن:

۰۵۱- ۳۸۴۳۷۷۱۱-۳۸۴۱۶۵۸۴

۳ هزینه اشتراک ۲۴ شماره در مشهد ۱۲۰۰۰۰ تومان و در

شهرهای دیگر سراسر ایران ۱۵۰۰۰۰ تومان می‌باشد.

۴ کپی فیش را تا اشتراک بعدی نزد خود نگه دارید.



زنگ تفریح

نمایشگاه تخصصی رسانه‌های کودک و نوجوان

۱۴ تا ۲۳ اسفند ماه ۹۳

۹ صبح تا ۹ شب



اولین نمایشگاه مستقل انجمن مدیران مطبوعات کودک و نوجوان

با محوریت نشریات فردسال، کودک و نوجوان سراسر کشور

با محوریت مجریان و بازیگران برنامه‌های کودک و نوجوان

همایش بررسی مسائل مطبوعات کودک و نوجوان

گالری آثار تصویرگران مطبوعات کودک و نوجوان

رستوران بازی (ارائه بازی‌های فکری - مهارتی)

بازارچه عیدی‌های فرهنگی



یادمان هفتم تیر
مجموعه کودک
مدیران مطبوعات



انجمن مدیران
مطبوعات کودک و نوجوان

تهران. میدان بهارستان. نرسیده به چهارراه سرچشمه
کوچه شهید صیوفی پور. مجموعه یادمان شهدای هفتم تیر

۳۵۰۲۴۰۰۰

چُونِ به حُبِّ آلِ زَهرَا رُوی شُستی رُوزِ عید
نَشْنُودِ گوشتِ زِ رضوانِ جُزْ سلام و مَرَحِبا



خدمت به شما فخر ماست

ارائه دهنده خدمات پولی و بانکی در سراسر کشور



عسکریه
مؤسسه اعتباری

با بیش از ربع قرن تجربه

www.118b.ir